



# جورج کلی

## روان‌شناس شناختی و نظریه پرداز سازه‌های شخصی



او مدتی به‌عنوان مهندس مشغول به کار شد سپس به آموزش و پرورش روی آورد و به تحصیل در رشته‌ی جامعه‌شناسی پرداخت و مدرک کارشناسی‌ارشد خود را در این رشته از دانشگاه «کانزاس» دریافت کرد و مشغول به تدریس در این رشته شد و هم‌زمان، مربی تئاتر دانشجویان نیز بود. سپس با آثار «فریود» آشنا شد و به روان‌شناسی علاقه‌مند گردید. بدین ترتیب «کلی» به شکل حرفه‌ای، روان‌شناسی را دنبال کرد و در دانشگاه «ادینبورگ» اسکاتلند در رشته‌ی علوم تربیتی، مدرک کارشناسی گرفت. سپس در سال ۱۹۳۱ در دانشگاه ایالتی «آیوا» در روان‌شناسی بالینی، دکترای تخصصی گرفت. او به تأسیس یک مرکز خدمات مشاوره و روان‌شناختی در دانشگاه اقدام کرد. هم‌چنین یک درمانگاه سیار روان‌شناختی تأسیس نمود که از آن طریق، میان مدارس می‌گشت و به درمان مشکلات روانی دانش‌آموزان می‌پرداخت. در عین حال، چشم‌اندازهای جدیدی نسبت به سازمان روانی انسان به روی او گشوده می‌شد. او ۱۳ سال در این زمینه کار کرد و نظریه‌ی خود را با عنوان «سازه‌های شخصی» پایه‌گذاری نمود.

او برای ابداع نظریه‌ی خود، روی بیماران روانی و اشخاصی که دارای اختلالات روانی و رفتاری بودند، کار نکرد بلکه بر روی افراد سالم جامعه، آزمایشاتی انجام داد تا پی‌برد که شیوه‌ی نگرش مردم سالم، نسبت به جهان هستی و زندگی، چگونه است و اساساً مردم چگونه به تحلیل و تغییر رویدادهای جاری زندگی می‌پردازند و از چه سازوکارهایی برای درک و فهم رویدادها استفاده می‌کنند. «کلی» در طول سال‌های فعالیت روان‌شناختی خود، در دانشگاه‌های مختلف شمال و جنوب آمریکا سخنرانی کرد و در سال ۱۹۶۰، سفری را به دور دنیا آغاز نمود و در سراسر اروپا و شوروی، درباره‌ی نظریه‌ی سازه‌های خود و نقش آن در حل مسائل بین‌المللی، به سخنرانی پرداخت.

### سازه‌های شخصی

فرض بنیادین «کلی» این است که مردم، هم‌چون دانشمندان به جهان هستی نگاه می‌کنند یعنی آنان نیز فرضیه‌هایی را درباره‌ی مسائل و رویدادها می‌سازند و آن‌ها را به آزمایش می‌گذارند و در نتیجه به یک تعبیر و تفسیر بی‌همتا و منحصر به فرد خودشان از آن رویداد می‌رسند. به‌عنوان مثال، دو شخص را در نظر بگیریم که هر دو عینک آفتابی بر چشم دارند. عینک یکی، آبی و عینک دیگری، سبزرنگ است. هر دو شخص به یک صحنه نگاه می‌کنند اما برداشتی دوگانه از آن به‌دست می‌آورند یعنی ادراک آن دو فرد از یک صحنه، متفاوت از هم می‌باشد و هر کدام، سازه یا فرضیه‌ی خاص خود را از آن ارائه می‌دهند. بدین ترتیب سازه‌ی هر شخص، طرز نگرستن او به رویدادهای موجود در جهان اوست که در آن زندگی می‌کند.

مثال دیگر، دانشجویی است که در معرض خطر افتادن از یک درس می‌باشد و در تلاش است تا استاد خود را مجاب کند که نمره‌ی قبولی به او بدهد. او ابتدا رفتار استاد را در کلاس زیر نظر می‌گیرد و پی‌می‌برد که به‌عنوان مثال استاد، فردی مقتدر است و همیشه سعی می‌کند تصویری بزرگ‌نمایی شده از خود نشان دهد. این دانشجو، طبق برداشت خود از استاد، این فرضیه را تشکیل می‌دهد که اگر طبق میل استاد رفتار کند و به ستایش و تمجید از او بپردازد، رضایت استاد را جلب کرده و در نتیجه نمره‌ی قبولی

«جورج کلی» روان‌شناس شناختی و نظریه‌پرداز سازه‌های شخصی، در یک مزرعه در «کانزاس» دیده به جهان گشود. او تنها فرزند خانواده بود و از این نظر، مورد محبت و توجه بیش از حد والدین خود قرار داشت. پدر و مادر او افرادی به‌شدت مذهبی بودند. آنان افرادی بخشنده بودند که به نیازمندان و فقرا کمک می‌کردند. «کلی» تا ۱۳ سالگی، به‌صورت پراکنده درس می‌خواند و به مدرسه می‌رفت تا این که در ۱۳ سالگی، به دبیرستانی در «ویرجینیا» رفت و سخت مشغول ادامه‌ی تحصیل شد و در سال ۱۹۲۶ مدرک کارشناسی‌اش را در فیزیک و ریاضیات در پارک کالج «میسوری» دریافت کرد.

را می‌گیرد. اگر چنین اتفاقی رخ دهد، فرضیه‌ی دانشجو تأیید شده و اگر نتیجه غیر از این شود، فرضیه‌ی او رد شده است. بنابراین طبق تصور «کلی»، همگی ما در طول زندگی‌مان در تعامل با دیگران، این چنین عمل می‌کنیم.

### اصول نظریه‌ی کلی

نظریه‌ی «جورج کلی» دربرگیرنده‌ی یازده اصل می‌باشد:

۱- **اصل شباهت میان رویدادهای تکراری:** «کلی» معتقد بود که هیچ حادثه یا تجربه‌ای در زندگی شخص، دقیقاً به صورتی نیست که پیش از آن، تجربه کرده بود. یک رویداد تکرار می‌شود ولی به‌طور دقیق همان نیست که قبلاً روی داده بود. برای نمونه ممکن است شما هر روز از یک مسیر به سمت محل کار یا تحصیل خود بروید، درست است که مسیر همان می‌باشد اما نوع خلق و خو، رفتار و فضای حاکم بر آن مسیر، با روزهای دیگر متفاوت است.

۲- **اصل تفاوت‌های فردی در تعبیر و تفسیر رویدادها:** طبق این دیدگاه «کلی»، افراد از نظر چگونگی درک و فهم و تعبیر و تفسیر یک رویداد یا واقعه، با یکدیگر تفاوت دارند. هر شخص، برداشت خاص و منحصره‌فرد خود را از یک رویداد ارائه می‌دهد. برای نمونه دو دانشجو، از مطالبی که استاد روان‌شناسی در کلاس مطرح می‌کند، دو برداشت متفاوت خواهند داشت.

۳- **اصل روابط میان سازه‌ها:** طبق این اصل، همه‌ی ما تمایل داریم سازه‌های فردی خود را به شکل نظام‌یافته یا الگویی از سازه‌ها و مطابق دیدگاه خودمان از شباهت‌ها و تفاوت میان آن‌ها، سازمان‌دهی کنیم. بنابراین دو شخص که از نظر داشتن سازه‌های فردی، شباهت‌های زیادی با هم دارند، باز هم ممکن است با یکدیگر تفاوت قابل توجهی را نشان دهند زیرا سازه‌های آنان با ترتیب‌های متفاوتی تنظیم شده‌اند.

۴- **اصل دوگانگی میان سازه‌ها:** از نظر «کلی»، همه‌ی سازه‌ها یا فرضیه‌های ما، دوقطبی یا دوارزشی هستند یعنی یک وجه مثبت دارند و یک وجه منفی و برای پیش‌بینی رویدادها، می‌توان هم حالت خوش‌بینانه‌ی آن را لحاظ کرد و هم حالت بدبینانه.

۵- **اصل آزادی انتخاب:** این اصل اشاره می‌کند که هر انسانی، توانایی انتخاب دارد. همان‌گونه که گفتیم، هر سازه شامل دو قطب منفی و مثبت است. فرد این آزادی را دارد که قطبی را انتخاب کند که فرضیه‌ی او را به نتیجه برساند.

۶- **اصل گستره‌ی قابلیت کاربرد:** طبق این نظر «کلی»، هر سازه‌ای برای هر موقعیتی مناسب نیست. از این‌رو بعضی سازه‌ها را می‌توان درباره‌ی بسیاری از موقعیت‌ها به کار برد ولی برخی سازه‌ها فقط برای یک موقعیت خاص یا درباره‌ی گروهی از افراد خاص به کار برده می‌شوند. به‌عنوان مثال، سازه‌ی اعتماد را نمی‌توان برای همه به کار برد و به همه اعتماد داشت و در عین حال، نمی‌توان به همه نیز بدبین بود.

۷- **اصل قرار گرفتن در معرض تجربه‌های جدید:** یک تجربه، بیانگر آن است که سازه‌ی فرد، تا چه اندازه کارایی داشته و توانسته او را به نتیجه برساند. از سوی دیگر، برای این که سازه‌ی فرد به نتیجه‌ی مطلوب برسد، باید در تجربه‌های خود تجدیدنظر کند. به‌عنوان مثال تجربه‌ی یک رویداد در ۲۰ سالگی را نمی‌توان در ۴۰ سالگی هم به کار گرفت بلکه بایست در ۴۰ سالگی، تعبیری جدید از تجربیات داشت. از این‌رو لازم است یک

رویارویی مداوم با تجربه‌ها و رویدادهای جدید داشت.

۸- **اصل سازگارشدن با تجربه‌های جدید:** به این معناست که سازه‌های یک شخص، تا چه اندازه انعطاف‌پذیر و قابل نفوذ هستند. آیا سازه‌های او می‌توانند تجربه‌های تازه را بپذیرند یا خیر؟ سازه‌ی یک شخص تا چه مقدار می‌تواند به وسیله‌ی یادگیری‌های جدید گسترش پیدا کند و تغییر یابد و آیا سازه‌ی شخص، اجازه‌ی این تجدیدنظر را می‌دهد یا نه؟ برای نمونه یک شخص نظرش درباره‌ی یک معتاد، این است که او فرد بدی است. حتی اگر آن شخص ترک کند و به یک فرد خوب تبدیل شود، باز هم نظرش بر این است که فرد معتاد، انسان بدی است که سازه‌ی غیرقابل نفوذ و انعطاف می‌باشد.

۹- **اصل رقابت میان سازه‌ها:** «کلی» اعتقاد داشت مردم، سازه‌های مختلفی را درباره‌ی رویدادها و افراد می‌سازند و به کار می‌گیرند که ممکن است با هم ناهم‌خوان باشند. در چنین حالی، سازه‌های چندگانه‌ی فرد پیرامون یک موضوع، با هم به رقابت می‌پردازند تا سرانجام یکی از آن‌ها، به بهترین نتیجه ختم شود.

۱۰- **اصل شباهت میان مردم از نظر تعبیر و تفسیر رویدادها:** طبق دیدگاه «کلی»، اگرچه هر فردی سازه‌ی منحصربه‌فرد خود را دارد اما اصل نسبیت را نباید از یاد برد چراکه به همان اندازه که سازه‌ی هر فرد و تعبیر و تفسیر او از رویدادها متفاوت از دیگری است، در عین حال یک نوع شباهت نسبی میان سازه‌های افراد برقرار است. برای مثال اگر ۲۰ میلیون نفر به یک کاندیدا رأی بدهند، در حالت کلی میان سازه‌ی آنان و دیدگاه‌شان درباره‌ی شخص مورد نظر، هم‌خوانی وجود دارد؛ هر چند ساختارهای روان‌شناختی این ۲۰ میلیون نفر متفاوت از هم باشند.

۱۱- **اصل روابط متقابل بین افراد:** طبق این اصل، افراد یک گروه، فرهنگ یا یک قشر از جامعه، تعبیر و تفسیری شبیه به هم درباره‌ی یک مسأله دارند. یعنی یک نوع اشتراک فکری و رابطه‌ی متقابل و توافق که در نهایت موجب شکل‌گیری یک رفتار عمومی در قبال رویدادهای درون فرهنگی، درون حزبی یا درون گروهی می‌شود.

نظریه‌ی شخصیت «کلی»، یک دیدگاه مثبت و خوش‌بینانه از انسان ارائه می‌دهد. اساساً این نظریه، یک نظریه‌ی شناختی است که به ادراک، نگرش، توجه و پردازش اطلاعات اشخاص، توجه ویژه دارد هرچند که خود «کلی» عنوان شناختی را رد کرد زیرا احساس می‌کرد بیش از حد محدودکننده است و مرزی مصنوعی بین شناخت و عواطف به‌وجود می‌آورد.

به اعتقاد «کلی»، همه‌ی مردم قادرند سازه‌های شناختی را درباره‌ی محیط خود بسازند و شکل دهند؛ یعنی افراد، اشیای فیزیکی و اجتماعی را در جهان اطراف خود به‌گونه‌ای تعبیر و تفسیر می‌کنند که یک الگو بسازند. بر مبنای این الگو، مردم درباره‌ی اشیاء، دیگران و خودشان، پیش‌بینی‌هایی انجام می‌دهند و این پیش‌بینی‌ها را برای راهنمایی خود در اعمال‌شان به کار می‌گیرند. بدین ترتیب، برای این که دیگران را درک کنیم، باید الگوهای‌شان یعنی شیوه‌ای که آنان جهان را شخصاً می‌سازند، درک کنیم. بنابراین، این تعبیر و تفسیر فرد از رویدادهاست که حائز اهمیت است و نه خود رویدادها. «کلی» معتقد است انسان، موجودی عقلانی و منطقی می‌باشد که از اراده‌ی آزاد برخوردار بوده و قادر است هرطور که دوست دارد، بیندیشد و براساس آن اندیشه، زندگی خود را استوار سازد.

سعید عبدالملکی  
روان‌شناس